

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شاهرود

دانشکده علوم انسانی

گروه فقه و حقوق

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فقه و حقوق اسلامی

عنوان

تبیین حکم برداشت عضو از محکومان به مرگ از منظر فقه اسلامی و حقوق

استاد راهنما


دکتر سید سعید حسینی

دانشجو

محدثه ابراهیم عطا کوئی

بهمن ۱۳۹۵



شماره:	اظهارنامه دانشجو	
تاریخ:		

اینجانب محدثه ابراهیم عطاکوئی دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، گواهی می‌دهم که پایان‌نامه تدوین شده حاضر با عنوان: «تبیین حکم برداشت عضو از محکومان به مرگ از منظر فقه اسلامی و حقوق» به راهنمایی استاد محترم جناب آقا/خانم دکتر سید سعید حسینی توسط شخص اینجانب انجام و صحت و اصالت مطالب تدوین شده در آن، مورد تایید است و چنانچه هر زمان دانشگاه کسب اطلاع کند که گزارش پایان‌نامه حاضر صحت و اصالت لازم را نداشته، دانشگاه حق دارد مدرک تحصیلی اینجانب را مسترد و ابطال نماید؛ همچنین اعلام می‌دارد در صورت بهره‌گیری از منابع مختلف شامل: گزارش تحقیقاتی، رساله، پایان‌نامه، کتاب، مقالات تخصصی و سایر منابع اطلاعاتی، به منبع مورد استفاده و پدیدآورنده آن به طور دقیق ارجاع داده شده و نیز مطالب مندرج پایان‌نامه حاضر تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب و یا سایر افراد به هیچ کجا ارائه نشده است. در تدوین متن پایان‌نامه حاضر، چهارچوب مصوب تدوین گزارش‌های پژوهشی تحصیلات تکمیلی دانشگاه شاهد به طور کامل مراعات شده و نهایتاً این که، کلیه حقوق مادی ناشی از گزارش پایان‌نامه حاضر، متعلق به دانشگاه شاهد می‌باشد.

نام و نام‌خانوادگی دانشجو (دست‌نویس):

امضای دانشجو

تاریخ:

بسمه تعالی

دانشگاه
فناوری

معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی
دفتر تحصیلات تکمیلی

تاریخ:

صور تجلسه دفاع پایان نامه کارشناسی ارشد

جلسه دفاع پایان نامه کارشناسی ارشد ارشد خاتم محدثه ابراهیم عطا کویی رشته فقه و حقوق اسلامی به شماره دانشجویی ۹۳۷۵۶۶۰۰۱ به ارزش ۴ واحد، رأس ساعت ۱۴:۳۰ بعد از ظهر، روز چهارشنبه، مورخ ۹۵/۱۱/۲۰ در محل آمفی تئاتر دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد

تحت عنوان:

تبیین حکم برداشت عضو از محکومان به مرگ از منظر فقه اسلامی و حقوق

تشکیل گردید.

کمیته داوری پایان نامه کارشناسی ارشد پس از استماع دفاعیات و طرح پرسش های لازم در زمینه علمی و تحقیقاتی مرتبط با پایان نامه نامبرده، ارزشیابی نهایی خود را به شرح ذیل، اعلام نمودند:

پایان نامه نامبرده با نمره، (به عدد) و (به حروف) و با درجه مورد تایید قرار گرفت/ نگرفت.

امتیازات، طبق ماده ۲۰ آیین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته، مصوب جلسه ۷۱۴ مورخ ۸۸/۱/۱۵، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: عالی: ۱۹ تا ۲۰، بسیار خوب: ۱۸/۹۹ تا ۱۸، خوب: ۱۷/۹۹ تا ۱۷، قابل قبول: ۱۵/۹۹ تا ۱۴، غیر قابل قبول: نمره کمتر از ۱۴

اعضای کمیته داوری پایان نامه کارشناسی ارشد	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ علمی	نام دانشگاه	امضاء
استاد راهنمای اول	دکتر سید حسینی	استاد	شاهد	
استاد راهنمای دوم (در صورت وجود)				
استاد مشاور اول				
استاد مشاور دوم (در صورت وجود)				
داور داخلی	دکتر سید حامد حسینی	استاد	شاهد	
داور خارجی	دکتر داورزنی			
نماینده تحصیلات تکمیلی (بدون نمره)	دکتر رسول محمد جعفری		شاهد	

توضیحات ناظر تحصیلات تکمیلی:

نام و نام خانوادگی ناظر تحصیلات تکمیلی:

تاریخ:

امضاء

۹۵، ۱۱، ۲۰

نمال را باران باید تابشید غبار نشسته بر برگ هایش و سیرابش کند از آب حیات

و آفتاب باید تابانند سیر و او محکم کند شاخه های تازه روئیده را

به نام مادر

بوسه ای بیدزد، دست هائی را که می شویند غبار خستگی روزگار را و سیراب می کنند روح تشنه را

به نام پدر

بوسه ای بیدزد، دست هائی که می تابانند سیر و او محکم می کنند استواری پایه های زیستن را

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

...

تقدیم به همسر

به پاس قدردانی از قلبی آکنده از عشق و معرفت که محیطی سرشار از سلامت و امنیت و آرامش و آسایش

برای من فراهم آورده است

سیاسگزاری

سپاس و ستایش معبود یگانه را که پرتو الطاف بی‌شمارش در تمامی لحظات زندگی‌ام ساطع و آشکار است؛ حمد و ثنا می‌گذارم او را که فکرت و اندیشه را در بستر روحم روان ساخت و بهره‌گیری از خوان گسترده دانش را روزیم گردانید.

امتنان و سپاس می‌گذارم تلاش‌ها، زحمات‌ها و راهنمایی‌های ارزشمند و بی‌شائبه استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر سید سعید حسینی که با همیت و جدیت مرا به دقت، اندیشه، درک و تعمق وامی‌داشتند. سلامتی و سعادت ایشان را آرزومندم.

همچنین بر خود فرض می‌دارم که از اساتید گرانقدر و محترم، جناب آقای دکتر سید حامد حسینی به عنوان داور داخلی، و جناب آقای دکتر حسین داورزنی به عنوان داور خارجی که زحمت داوری این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند تقدیر و تشکر نمایم.

خدایا...

به من زیستنی عطا کن که در لحظه مرگ، بر بی‌ثمری لحظه‌ای که برای زیستن گذشته است، حسرت نخورم و مُردنی عطا کن که بر بیهودگیش، سوگوار نباشم. بگذار تا آن را، خود انتخاب کنم، اما آن‌چنان که تو دوست می‌داری.

تو می‌دانی و همه می‌دانند که شکنجه دیدن به خاطر تو، زندانی کشیدن بخاطر تو و رنج بردن به پای تو تنها لذت بزرگ زندگی من است، از شادی توست که من در دل می‌خندم، از امید رهایی توست که برق امید در چشمان خسته‌ام می‌درخشد و از خوشبختی توست که هوای پاک سعادت را در ریه‌هایم احساس می‌کنم. نمی‌توانم خوب حرف بزنم. نیروی شگفتی را که در زیر کلمات ساده و جمله‌های ضعیف و افتاده، پنهان کرده‌ام دریاب، دریاب.

تو می‌دانی و همه می‌دانند که زندگی از تحمیل لبخندی بر لبان من، از آوردن برق امیدی در نگاه من، از برانگیختن موج شعفی در دل من، عاجز است.

تو، چگونه زیستن را به من بیاموز، چگونه مردن را خود خواهم آموخت.

به من توفیق تلاش در شکست، صبر در نومیدی، رفتن بی‌همراه، جهاد بی‌سلاح، کار بی‌پاداش، فداکاری در سکوت، دین بی‌دنیا، مذهب بی‌عوام، عظمت بی‌نام، خدمت بی‌نان، ایمان بی‌ریا، خوبی بی‌نمود، گستاخی بی‌خامی، قناعت بی‌غرور، عشق بی‌هوس، تنهایی در انبوه جمعیت، و دوست داشتن بی‌آنکه دوست بداند، روزی کن.

اگر تنها ترین تنها شوم، باز خدا هست

او جانشین همه نداشتن‌هاست...

چکیده

پیشرفت‌های چشم‌گیر دانش پزشکی انبوهی از مسائل جدید را پیش روی پژوهش‌گران و صاحب نظران فقه و حقوق قراردادده است. برداشت عضو و پیوند اعضا به مدد این پیشرفت امروزه یکی از راه‌های معمول برای درمان بسیاری از بیماری‌هاست.

در این پژوهش سعی شده است تا با کمک و استفاده از قوانین فقهی موجود بتوان مسیری را برای برداشت عضو از اعدامیان پیدا کنیم و در این راستا از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و با کمک منابع خارجی موجود سعی شده است تا بحث تطبیقی موضوع مورد بررسی قرار گیرد. آن چه از این تحقیقات یافت شده است نشان می‌دهد که در اول امر برداشت و پیوند عضو از نظر فقها جایز است و پیوند از انسان مرده به انسان زنده بلا اشکال است. در صورتی که شخص قبل از وفات بر این امر وصیت کند، باید طبق وصیت انجام شود.

در نظر برخی از فقها جواز برداشت عضو مطلق است. بدین معنی که چه شخص وصیت کند یا نکند، و صرف نظر از اذن دادن یا ندادن حاکم، برداشت عضو به دلیل وجود حفظ جان مسلمان جایز است. برخی دیگر از فقها قائل به جواز برداشت عضو به شرط اذن حاکم شده‌اند؛ بدین معنی که حاکم جامعه اسلامی به دلیل ولایت شرعی بر امت اسلامی، می‌تواند اذن به برداشت عضو از میت بدهد، و بر طبق همین استدلال نیز بیان داشته‌اند که می‌توان از محکومین به اعدام برداشت عضو کرد.

در این پژوهش به بررسی تطبیقی برداشت عضو از محکومان به مرگ با سایر کشورها (از جمله چین، اتریش، بلژیک، فرانسه، اکوادور، و ...)، و همچنین مذاهب اربعه، پرداخته شده است و همچنین، از نگاه حقوق جزایی و مدنی به این موضوع نگرین شده است.

کلید واژه: برداشت عضو، محکوم به مرگ، اذن حاکم شرع.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول
۱	کلیات پژوهش
۳	۱-۱. مقدمه
۳	۲-۱. بیان مسئله
۵	۳-۱. اهداف پژوهش
۵	۱-۳-۱. هدف کلی
۶	۲-۳-۱. اهداف فرعی
۶	۴-۱. پرسش‌های پژوهش
۶	۱-۴-۱. پرسش اصلی
۶	۲-۴-۱. پرسش‌های فرعی
۶	۵-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش
۶	۱-۵-۱. فواید نظری
۶	۲-۵-۱. فواید عملی
۷	۶-۱. تعریف‌های عملیاتی متغیرهای پژوهش
۸	۷-۱. پیشینه تحقیق
۱۱	فصل دوم
۱۱	روش‌شناسی پژوهش
۱۳	۱-۲. مقدمه
۱۳	۲-۲. روش پژوهش
۱۴	۳-۲. جامعه پژوهش

۱۴	۴-۲. ابزار گردآوری داده‌ها.
۱۴	۵-۲. روش جمع‌آوری داده‌ها.
۱۵	۶-۲. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها.
۱۷	فصل سوم
۱۷	یافته‌های پژوهش
۱۹	۱-۳. مقدمه
۲۰	۲-۳. انواع پیوند اعضا
۲۰	۱-۲-۳. صورت نخست
۲۱	۲-۲-۳. صورت دوم
۲۱	۳-۲-۳. صورت سوم
۲۱	۱-۳-۲-۳. اقسام مرگ
۲۵	۲-۳-۲-۳. نشانه‌های مرگ از دیدگاه فقها
۲۶	۴-۲-۳. قوانین سایر کشورها درباره پیوند اعضا
۲۸	۳-۳. تاریخچه‌ی برداشت عضو از محکومان
۲۸	۴-۳. شیوه‌های اعدام از جهت امکان برداشت عضو
۳۲	۵-۳. برداشت عضو از محکومان به مرگ از دیدگاه فقهی
۳۳	۱-۵-۳. نظر مخالفان
۳۴	۲-۵-۳. نظر موافقان
۳۴	۱-۲-۵-۳. نقد نظر مخالفان
۳۶	۲-۲-۵-۳. اصول حاکم بر مسئله
۳۷	۳-۲-۵-۳. جواز به شرط وصیت
۴۴	۴-۲-۵-۳. جواز به شرط رضایت

.....	۳-۵-۲-۵. جواز به شرط اذن حاکم	۴۴
.....	۳-۵-۲-۶. جواز مطلق	۴۷
.....	۳-۵-۳. فتاوی فقها در ارتباط با برداشت عضو از محکومان	۴۸
.....	۳-۵-۳-۱. وصیت به اهداء اعضا	۴۸
.....	۳-۵-۳-۲. نظر مراجع در ارتباط با وصیت به اهداء اعضا	۵۳
.....	۳-۵-۳-۳. نظر مراجع تقلید درباره اهدای اعضای اعدامی	۵۴
.....	۳-۵-۴. لزوم ديه در برداشت عضو از محکومان به مرگ	۵۵
.....	۳-۵-۴-۱. محل مصرف ديه	۵۷
.....	۳-۶-۶. برداشت عضو از محکومان به مرگ از دیدگاه حقوقی	۵۸
.....	۳-۶-۱. دیدگاه حقوق مدنی	۵۹
.....	۳-۶-۲. دیدگاه حقوق جزایی	۶۰
.....	۳-۷-۷. برداشت عضو از محکومان از دیدگاه مذاهب اربعه	۶۳
.....	۳-۸-۸. برداشت عضو از محکومان از دیدگاه حقوق خارجی	۶۵
.....	۳-۸-۱. نظام رضایت مفروض	۶۶
.....	۳-۸-۲. نظام ملی دانستن اجساد	۶۷
.....	فصل چهارم	۷۱
.....	بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها	۷۱
.....	۴-۱. مقدمه	۷۳
.....	۴-۲. نتایج	۷۵
.....	۴-۳. پیشنهادها	۷۸
.....	منابع	۸۱

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

بیش از نیم قرن از آن هنگام که نخستین عمل پیوند عضو در ایران انجام شد می‌گذرد و در دوران کنونی پیشرفت‌های نوین علوم پزشکی در زمینه‌ی پیوند اعضا به انسان‌های بسیاری حیات بخشیده است. ورود و توسعه‌ی علوم مرتبط با پیوند اعضا به کشور ما همواره مباحث نوین بسیاری را به همراه داشته که قابلیت یا عدم قابلیت اجرای قصاص نفس از طریق اهدای عضو از آن جمله‌اند. به رغم اهمیت موضوع، در منابع فقهی و حقوقی معتبر موجود بحث مستقلی در این باب مشاهده نمی‌شود. از این رو در تحقیق پیشرو، تکیه بر استدال‌ها و استنباط‌های فقهی و حقوقی از اولویتی ویژه برخوردار است. در این پژوهش در پی آنیم که دریابیم؛ آیا اصولاً امکان اهدای عضو پس از قصاص نفس وجود دارد؟ و در صورت امکان، آیا در اجرای قصاص نفس به شیوه‌ی مذکور، رضایت اولیای دم شرط است یا اذن حاکم جواز این امر را می‌دهد؟

۱-۲. بیان مسئله

امروزه برخلاف گذشته، پیشرفت علم پزشکی، موضوع پیوند اعضا را به عنوان بحثی نو مطرح نموده است. پیوند عضو ولو پس از مرگ، از آن‌جایی که با تمامیت جسمی افراد مرتبط است، علاوه بر علم پزشکی، ارتباط تنگاتنگی با علوم فقه و حقوق دارد. مسئله‌ی پیوند عضو علاوه بر این که یکی از مسائل قابل بررسی و تحلیل در عالم پزشکی است در عالم فقه و حقوق هم مسئله‌ای بسیار مهم و درخور توجه است. این مسئله خصوصاً در فقه با حساسیت زیادی مطرح گردیده است زیرا این عمل به تمامیت جسمانی افراد مرتبط است و در احکام شرع مقدس به انسان و تمامیت جسمانی او به عنوان خلیفه الله اهمیت ویژه داده می‌شود (محمد مومن قمی، ۱۳۸۲، ص. ۱۱).

در برابر آن دسته از فقهای که با برداشت و پیوند عضو مخالفند عده‌ای دیگر از فقها قائل به مشروعیت پیوند عضو هستند. چه پیوند عضو از یک انسان زنده به انسان زنده دیگر باشد و چه پیوند عضو از یک انسان مرده به انسان زنده دیگر (محمد مومن قمی، ۱۳۸۲، ص. ۱۳).

این دسته از فقها به استناد قواعد فقهی مانند: قاعده اهم و مهم و احکام ثانویه راه‌حلهایی برای مشروعیت برداشت و پیوند عضو یافته‌اند.

فصل اول: کلیات پژوهش

در مورد برداشت و پیوند عضو از جسد، عده‌ای از فقها حتی جسد انسان فوت شده را در اختیار ولی امر مسلمین می‌دانند و معتقدند هر اقدامی که پس از وصیت میت و اذن او جایز باشد انجامش به دستور ولی امر مسلمین و حاکم اسلامی به اعتبار ولایتی که بر مسلمانان دارد نیز جایز است (سازمان اسلامی علوم پزشکی).

حاکم شرع یا همان ولیّ امر، از آن جهت که بر جامعه‌ی اسلامی ولایت دارد، می‌تواند در تمام کارهایی که به صلاح و مصلحت امت اسلامی است، تصمیم‌گیری نماید. در این صورت، تصمیم و اراده‌ی وی، جانشین تصمیم و رضایت مردمی خواهد بود که بر آن‌ها ولایت دارد و آنان نیز باید از وی اطاعت و پیروی نمایند. البته، ولیّ امر مسلمین نمی‌تواند جز در مسیر مصلحت امت اسلامی گام بردارد (محمد مومن قمی، ۱۴۱۵، ص. ۲۲).

از این رو، هرگاه ولیّ امر، بداند که بیماران مسلمان با پیوند عضوی بهبود می‌یابند، می‌تواند به سبب مصلحت امت اسلامی، اذن دهد که اعضای مورد نیاز را از مردگان تهیه و دریافت کنند. البته ممکن است اذن ولیّ، در مواردی باشد که این کار، فی حدّ نفسه جایز است و به غیر از موارد جواز، سرایت داده نشود.

در خصوص صدور جواز برداشت عضو و پیوند آن از طریق وصیت یا اذن ولی باید بیان داشت که از آن‌جا که جسد میت مؤمن مانند زنده او احترام دارد و روایات مستفیض دلالت دارد بر این که احترام مرده انسان مانند احترام زنده اوست؛ لذا این اشکال مطرح است که آیا اولیای او حق دارند عضوی از بدن وی را بردارند، تا این حق علاوه بر ولی میت به حاکم اسلامی و ولی فقیه نیز داده شود؟

نظریه‌ی اول جواز است؛ یعنی ولیّ میت می‌تواند اجازه دهد که برخی از اندام‌های او را از بدنش جدا کنند و این اجازه برای از بین بردن حرمت جنایات بر مرده و قطع اعضای بدن او کافی است. زیرا در روایات ما از متصدی امور میت به ولی تعبیر شده است و ولایت به معنای قیمومیت است. پس ولی می‌تواند آن‌چه را مصلحت می‌بیند انجام دهد. بنابراین اگر ولی بخواهد برخی اعضای میت را در اختیار پزشکان قرار بدهد تا در عمل پیوند مورد استفاده قرار بگیرد این کار جایز خواهد بود (محمد مومن قمی، ۱۴۱۵، ص. ۱۷۲). بنابراین می‌توان گفت که ولی به معنای عام آن که همان حاکم و ولی فقیه است می‌تواند آن‌چه را که مصلحت می‌بیند انجام دهد.

فصل اول: کلیات پژوهش

نظریه‌ی دوم نظریه‌ی عدم جواز است که می‌گویند آنچه از روایات به دست می‌آید تقدم ولی میت است بر سایر مردم اما دایره این ولایت محدود به اموری است که شارع در آنها جعل ولایت کرده است مانند غسل، کفن و... بنابراین مسئله‌ی قطع اعضای میت از این دایره تخصصاً خارج است (محمد مومن قمی، ۱۴۱۵، ص. ۱۷۴).

دیدگاه حقوقی، در مورد برداشت و پیوند عضو معتقد به سیستم صلاحیت قضایی است؛ یعنی به حکم اولی برداشت عضو از بدن متوفی جایز نیست. ولی اگر اضطرار پیدا شد، یعنی حفظ جان مسلمان در گرو برداشت عضوی از بدن مرده‌ای باشد، در این صورت عمل برداشت عضو بدون نیاز به وصیت یا اذن ورثه‌ی وی جایز خواهد بود (نظری توکلی، ۱۳۸۱، ص. ۱۸۴).

از سابقه این کار (برداشت عضو از محکومان به مرگ) در نظام‌های دیگر می‌توان به چین و مصر اشاره کرد که برای جلوگیری از قاچاق اعضای بدن انسان به صورت قانون درآمده است. به تازگی قانون‌گذاران اکوادور لایحه‌ای را از تصویب گذرانده‌اند که اهدای عضو برای پیوند را هنگام مرگ به صورت خودکار درمی‌آورد، مگر این‌که فرد به طور خاص در این مورد وصیت دیگری کرده باشد (آرمان و قلعه‌دار، ۱۳۹۲).

در خصوص جداسازی اعضای بدن از محکومان باید این نکته را یاد آور شد که این موضوع باید از جنبه‌های اخلاقی نیز مورد بررسی قرار گیرد و ممکن است نکات منفی نیز داشته باشد، مانند این که باعث صدور حکم صوری شود یا برداشت عضو بدون رضایت از شخص و ورثه باشد.

این پایان نامه قصد دارد به بررسی این موضوع بپردازد که آیا حاکم یا قاضی می‌تواند رأساً اقدام به برداشت عضو از محکومان بکند یا خیر؟ ادله فقهی آن چیست؟

۳-۱. اهداف پژوهش

۱-۳-۱. هدف کلی

بیان فقهی حقوقی حکم برداشت عضو از محکومان.

۱-۳-۲. اهداف فرعی

- تبیین موضوع از منظر مذاهب اسلامی.
- تبیین موضوع از منظر حقوق سایر کشورها و سازمان بهداشت جهانی.

۱-۴-۲. پرسش‌های پژوهش

۱-۴-۱. پرسش اصلی

آیا در منظر فقه و حقوق برداشت عضو از محکومان توسط حاکم جایز است؟

۱-۴-۲. پرسش‌های فرعی

۱. مذاهب اسلامی در خصوص برداشت عضو از محکومان چه نظری دارند؟
۲. حقوق سایر کشورها در خصوص برداشت عضو از محکومان چه نظری دارند؟

۱-۵-۵. اهمیت و ضرورت پژوهش

۱. بسط و گسترش اطلاعات نسبت به جواز یا عدم جواز برداشت عضو از محکومان.
۲. افزایش تفاسیر فقهی حقوقی در زمینه‌ی جواز یا عدم جواز برداشت عضو از محکومان.
۳. فراهم سازی زمینه برای انجام پژوهش‌های بعدی.

۱-۵-۱. فواید نظری

- بسط و گسترش اطلاعات نسبت به جواز یا عدم جواز برداشت عضو از محکومان.
- افزایش تفاسیر فقهی حقوقی در زمینه‌ی جواز یا عدم جواز برداشت عضو از محکومان.
- فراهم سازی زمینه برای انجام پژوهش‌های بعدی.

۱-۵-۲. فواید عملی

- فراهم کردن زمینه‌ی قانونی برداشت عضو از محکومان.
- ارائه‌ی پیشنهاد به قانون‌گذار در جهت پیش‌بینی راه حل مناسب در این زمینه.

۱-۶. تعریف‌های عملیاتی متغیرهای پژوهش

برداشت عضو: برداشت اندام حیاتی بدن از انسان‌های زنده است.

تعریف اعدام: اعدام در لغت از ماده‌ی عدم به معنای نیستی و نقطه‌ی مقابل وجود است که به باب افعال برده شده و مفهوم تعدی از آن فهمیده می‌شود. بنابراین اعدام در لغت یعنی نیست و نابود کردن و در اصطلاح عبارت است از شدیدترین نوع مجازات که توسط قانون‌گذار وضع و مقرر گردیده و به موجب آن حیات مجرم به طور کلی سلب گردیده و از ادامه زندگی بازمانده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، جلد اول).

مجازات اعدام، شدیدترین نوع مجازات است که از قدیم در تمام جوامع بشری وجود داشته. در حقوق ایران، برخی از اقسام کیفر اعدام بر مبنای متون و نصوص فقهی تشریح شده است. مانند مجازات اعدام برای مرتکب جرم محاربه و افساد در زمین و نیز تجاوز به عنف و سایر جرایمی که به موجب قوانین و مقررات شرعی، مرتکب آن مستوجب اعدام یا قتل است. این قبیل اعدام‌ها جزء حدود هستند و تخفیف و تعلیق در آن‌ها راه ندارد و مشمول مقررات مرور زمان هم نمی‌شوند.

پیوند عضو: در لغت پیوند عضو به معنای انتقال بافت یا عضو، زنده یا مرده، درون یک فرد، بین افرادی از یک گونه یا گونه‌های مختلف، می‌باشد. همچنین گفته شده، پیوند عضو یعنی جابه‌جا کردن یک عضو یا بافت از بدن یک فرد به فرد دیگر. البته عده‌ای معتقدند، اصطلاح پیوند اعضا، ویژه‌ی اعضای جامد بدن اعم از اعضای خارجی بدن از قبیل: پوست، قرنیه و اعضای داخلی بدن مانند: قلب، ریه، پانکراس (لوزالمعده) و کلیه‌ها است و شامل مایعات گرفته شده از بدن مانند خون و پلاسما نمی‌شود. با توجه به تعاریف مذکور، به نظر می‌رسد بهترین تعریف پیوند عضو، برداشت و انتقال دادن بافت یا عضو به بدن موجود زنده برای ترمیم بافت‌های آسیب دیده‌ی غیر قابل ترمیم و یا جایگزینی، برای اعضای از کار افتاده می‌باشد.

حکم تکلیفی: هر عملی که شخص مکلف انجام می‌دهد از نظر شرعی یکی از عنوان‌های پنج‌گانه ذیل را دارد: واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام. هر یک از این عنوان‌ها حکم تکلیفی نامیده می‌شود (مشکینی اردبیلی، ۱۳۷۴، اصطلاحات اصول).

۱-۷. پیشینه تحقیق

(جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۱):

مقاله‌ی بررسی فقهی حقوقی قصاص از طریق اهدای عضو

در این مقاله به بررسی قصاص از طریق اهدای عضو پرداخته است بدین شکل که به جای این که جانی را اعدام کنیم وی را به افاق عمل برده و پس از بیهوشی کامل اعضای شخص را اهدا کنند. تفاوت عمده‌ای که این تحقیق با پژوهش حاضر دارد در این است که در پژوهش حاضر ناظر به زمانی است که جانی اعدام شده است و پس از آن ما بخواهیم اهدای عضو را شروع کنیم.

(روحی، ۱۳۹۰):

پایان‌نامه‌ی اهدای اعضاء، تدبیری نوین در نحوه‌ی اجرای کیفی‌های سالب حیات

موضوع اصلی این پایان‌نامه، ارائه‌ی شیوه‌ی دیگر در نحوه‌ی اجرای کیفی‌های سالب حیات می‌باشد و آن اهدای اعضای منجر به مرگ محکوم می‌باشد که پس از بیهوشی و بدون کمترین احساس درد و رنجی صورت می‌گیرد و نوعی اعدام تلقی می‌شود. تفاوت این مقاله با پژوهش حاضر در این است که در این پژوهش ما تلاش می‌کنیم تا با جمع‌آوری قواعد و روایات به حکم امکان برداشت عضو از شخص اعدام شده (پس از اجرای حکم) برسیم. در واقع در این تحقیق ما به بررسی حکم امکان اهدای عضو پس از اعدام متداول (که همان به دار آویختن است)، و همچنین به بررسی این موضوع که حاکم می‌تواند راساً اقدام به برداشت کند یا خیر می‌پردازیم.

(جعفرپور، ۱۳۹۳):

پایان‌نامه‌ی بررسی نحوه‌ی اجرای حکم اعدام در فقه امامیه و حقوق ایران و آثار مترتب بر آن

در این پایان‌نامه سعی شده شیوه‌ی اجرایی اعدام را عوض کرده و از آن طریق به برداشت عضو اقدام نمایید. در حالی که در تحقیق حاضر ما برآنیم که به مبانی فقهی حقوقی برداشت عضو از اعدامیان بپردازیم، به طوری که در شیوه‌ی اجرایی آن هیچ تغییری صورت نگیرد و به همان شکل مرسوم (به دار آویختن) اجرا شود و به بیان حکم امکان یا عدم امکان برداشت عضو بپردازیم.

(بیتانام، ۱۳۹۲):

پایان‌نامه‌ی بررسی فقهی و حقوقی اهداء اعضا حیاتی محکومین به اعدام و افراد مبتلا به مرگ مغزی به افراد نیازمند

در این پایان‌نامه، بیشتر فصول آن، به اهدا عضو به افراد مبتلا به مرگ مغزی پرداخته شده است و در خصوص اهدا عضو محکومین به اعدام، پژوهش‌گر بررسی فقهی انجام نداده است و به استفتائات بسنده کرده است. تفاوت اصلی این تحقیق با پژوهش حاضر در این است که در این پژوهش ما می‌خواهیم به بررسی فقهی برداشت عضو از محکومان پردازیم و به این سؤال پاسخ دهیم که آیا قاضی یا حاکم می‌توانند رسماً اقدام به برداشت عضو کند و در صورت اثبات، مبانی فقهی آن چیست و در این پژوهش سعی می‌شود جنبه تطبیقی موضوع نیز بررسی شود.

فصل دوم

روش‌شناسی پژوهش